

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ دسمبر ۲۰۲۲

## کودتا های جدید، چشم اسفندیار دموکراسی غربی!

شنبه - ۲۶ قوس ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز بحث مختصری داریم در مورد کودتا های جدید در کشورهایی که با مدل دموکراسی غربی تفکیک قواء و تقسیم دولت به قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه اداره می گردند.

این را می دانیم که در دموکراسی های مدل غربی که بر مبنای تفکیک قوای ثلاثه از یک دیگر بنا یافته، الی دو دهه قبل تغییرات کودتائی عمدتاً از درون قوه مجریه، علیه بخش دیگری از آن قوه صورت می گرفت در حالی که دو قوه دیگر یعنی مقننه و قضائیه اکثراً به مثابه انگشت ششم و یا چرخ پنجم در یک موتر چهارتیره بی استفاده و زاید مانده، ناگزیر به دنبال بخش غالب قوه اجرائیه حرکت می نمودند.

در این نوع کودتا ها که اکثراً از بیرون و به وسیله قدرت های امپریالیستی سازماندهی و رهبری و حداقل حمایت می شد، یک بخش از قوای اجرائیه که شامل قطعاتی از ارتش و پولیس و سازمان امنیت همان کشور را می شدند با تکیه بر تفنگ، گاهی با خونریزی گسترده و زمانی با چند تک و تُک، قدرت حاکم را به زیر کشیده، زمام امور را یکی از جنرالان ارتش به دست می گرفت.

تجربه نشان داده است که این نوع تغییر در شیوه اعمال حاکمیت، از آن جایی که در اساس نافای شعار های دهن پرکن کشورهای بزرگ غربی بودند، دولت های غربی را با مشکل مواجه می ساختند. مشکل دول غربی بیشتر با مردم خودشان بود زیرا باورمند بودند که چنان تغییراتی ناقض حقوق دموکراتیک مردم و پایمال کننده حقوق بشر و آزادیهای دموکراتیک می باشد. به همین اساس علی رغم این که قدرت های بزرگی خود در عقب آن کودتا ها قرار داشتند، ناگزیر بودند حمایت شان را از چنان رژیم هایی مخفی نگه دارند و در به رسمیت شناختن آنها نیز اما و اگر مطرح کنند.

این مشکل باعث شد تا ستراتیژیست های امپریالیستی بدین فکر بیفتند که چگونه کودتائی را سازماندهی نمایند که اولاً ارتش مستقیماً در آن دخالت نداشته باشد و برکناری حاکم را توپ و تانک ارتش روی خیابانها اعلام ندارد و در ثانی، رژیم محصول کودتا در لباس قانون و حافظ قانون خود را ملبس ساخته و شناسائی آن از طرف سازماندهندگان امپریالیستی اش، هیچ نوع مشکلی به وجود نیاورد.

نتیجه تحقیق و آزمایش ها و بحث های ستراتیژیست ها سرانجام به این نکته ختم شد که در حاکمیت های نوع بورژوائی غربی متکی بر تفکیک قواء، انجام کودتا می باید در چند مرحله انجام بیاید. از جمله:

\*- تظاهرات، اعتراض ها و ابراز ناراحتی ها، گاهی توأم با خشونت سراسر کشور را فراگیرد؛

\*- در تمام مدت ناراحتی ها به جز روز های نخستین، قوای قهریه حاکمیت یعنی پولیس، سازمان امنیت و ارتش به نحوی چنان بیطرفی را اعلام بدارد که از آن بوی حمایت از اعتراضات به مشام برسد؛

\*- بعد از اتخاذ آمادگی های لازم در درون قوه مجریه، دوقوه دیگر یعنی قوه مقننه و قوه قضائیه وارد میدان شده، رئیس جمهور را از قدرت برکنار و یک تن از افراد آماده خودشان را بدان سمت بگمارند.

تا جایی که در ۲۰ سال گذشته می شود بستر تطبیقی این ستراتیژی جدید را جست و جو کرد، می توان نخستین نمونه آن را در برکناری "پرویز مشرف" رئیس جمهور وقت پاکستان به وسیله دادگاه عالی آن کشور معرفی داشت. دومین مورد موفق در این زمینه که همکاری مشترک قوای مقننه و قضائیه را با خود داشت، برکناری "دلما روسف" رئیس جمهور برازیل بود.

از آن بعد امپریالیسم امریکا و شرکاء این شیوه را در اشکال مختلف عملی نموده کودتا های نظامی شان را به نام انقلابات رنگی به خورد توده های عقب مانده و متوهم غربی از لحاظ سیاسی دادند. نمونه های کودتای "مایدان" در اوکراین که رئیس جمهور قانونی کشور را چند چاقوکش و جنایتکار وابسته به امپریالیسم امریکا با اشغال پارلمان و ادار ساختن نمایندگان پارلمان به اعلام سلب اعتماد از رئیس جمهور به زور چاقو؛ نمونه ونزوئلا و یک فرد بی هویتی را به نام رئیس جمهور معرفی داشتن، نمونه بولیوی و برکنار "مورالس" پائشنه آشیل و یا چشم اسفندیار دموکراسی های نوع غربی و سوء استفاده امپریالیسم را در چنان حاکمیت هائی واضح نشان داد.

دو نمونه بسیار برجسته اخیر این ستراتیژی یکی برکناری "عمران خان" در پاکستان و دیگری "کاستیلو" در پرو می باشد. تا جایی که دیده می شود در هر دو نمونه فوق، رؤسای جمهور قانونی و منتخب قوه مجریه، توسط دوقوه دیگر یعنی قوای مقننه و قوای قضائیه با برخورداری کامل حمایت ارتش و بقیه نیروهای امنیتی آن کشور ها، یک شبه از کار برکنار و حتا یک تن از آنها به زندان افکنده شد.

تطبیق ستراتیژی جدید به امپریالیسم غرب و در رأس آن امپریالیسم امریکا چند امکان را فراهم می سازد:

\*- حاکمیت محصول کودتا را لباس قانونی و حقوقی پوشانده در اسرع وقت آن را به رسمیت می شناسد؛

\*- خشونت نیروهای امنیتی طرفدار رژیم کودتا را حمایت از قانون و دموکراسی و تمکین به اراده سه قواء معرفی می دارد، از همین رو می بینیم که در هر دو کشور به خصوص همین اکنون در پیرو به صد ها تن توسط نهاد های امنیتی آموزش دیده به وسیله "سیا" کشته و زخمی و به صدها تن دیگر زندانی شده اند؛

\*- اولاً می کوشد تا تمام آن تحولات هیچ نوع انعکاس خبری نیابند، اگر نتوانستند از انعکاس خبری جلوگیری نمایند، به وسیله رسانه های اصلی و وابسته به امپریالیسم بدون آن که از ده ها و صد ها کشته و زخمی در روی خیابانها نام ببرند، تلاش می ورزند تا برچسب تروریست و خشونت طلب را بر اعتراضات زده، برای نیروهای امنیتی به خصوص ارتش و پولیس مظلوم نمائی نمایند.

هموطنان گرامی!

در این جا آگاهانه نوع انتقال قدرت از حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" به باند "طالب" را مطرح ننمودم، زیرا این شیوه نیاز به تحقیق بیشتر داشته، امیدوارم در آینده به آن برگردم.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**